۷ فرمان برای اخاذی مرگبار از مرد پولدار

دو سارق که برای اخاذی از مردی پولدار سناریویی هفت‌مرحله‌ای را طراحی کرده بودند، در اجرای نقشه‌شان ناکام ماندند.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل مرد پولداری به اداره پلیس رفت و از دو مرد به اتهام آدم‌ربایی و سرقت اموالش شکایت کرد.

شاکی گفت: من چند سالی است که در کار ساخت و ساز آپارتمان مسکونی فعالیت دارم و حدود چهار ماه قبل در فضای مجازی با آگهی روبه‌رو شدم که صاحب آگهی درخواست مشارکت در ساخت و ساز آپارتمان مسکونی داده بود، بنابراین با صاحب آگهی تماس گرفتم و از آن روز با او که پیمان نام دارد، آشنا شدم. پیمان در بنگاه املاکی کار می‌کرد و در این مدت هم چند زمین و خانه قدیمی برای مشارکت در ساخت به من معرفی کرده بود تا اینکه امروز با من در بوستان شاهد حوالی منطقه پونک قرار گذاشت تا ملکی را در خیابان میرزا بابایی برای مشارکت در ساخت نشان دهد.

من با خودروی «بی‌ام‌و» گرانقیمتم سر قرار رفتم و پیمان هم با مرد ناشناسی به محل قرار آمدند. وقتی سوار خودروام شدند پیمان با شوکر به من حمله کرد و مرد دیگر هم با دسته چاقو ضربه‌ای به سرم زد. من با داد و فریاد از مردم درخواست کمک کردم، مردم در اطراف ما جمع شدند که آنها پس از سرقت تلفن همراهم با جا گذاشتن نایلونی که همراه داشتند، از ترس فرار کردند.

مأموران در بازرسی داخل نایلون یک عدد چسب پهن، چشم بند، طناب، کمربند و دستبند پلاستیکی کشف کردند که حکایت از آن داشت دو متهم با فراهم کردن این وسایل قصد ربودن مرد پولدار را داشته‌اند. همچنین مأموران پلیس داخل نایلون دفترچه‌ای کشف کردند که پیمان در آن برای ربودن مرد پولدار هفت فرمان صادر کرده بود. فرمان‌های صادره این بود: بی‌هوش می‌کنیم، دست و پایش را می‌بندیم، فراهم کردن باغی برای حبس گروگان، گرفتن رمز گوشی، رمز کارت عابر، خرید دلار و هفتمین مرحله خوراندن قرص برنج به گروگان برای قتل او. بعد از به دست آمدن این اطلاعات مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض موفق شدند دو آدم‌ربا را شناسایی و دستگیر کنند.

دو متهم صبح دیروز در دادسرای ویژه سرقت بازجویی شدند. متهم اصلی گفت: همسرم سرطان دارد و هزینه درمانش خیلی زیاد است و درآمد من هم که در املاک کار می‌کنم کفاف زندگی و هزینه درمان همسرم را نمی‌دهد. بنابراین وقتی با شاکی آشنا شدم، تصمیم گرفتم از او اخاذی کنم. آن روز من شیشه مصرف کرده بودم و توهم داشتم، بنابراین با همدستم نقشه آدم‌ربایی را طراحی کردیم اما ناکام ماندیم.

همدست وی هم گفت: من با پیمان در پارک آشنا شدم و او گفت که با فردی درگیری ناموسی دارد و از من درخواست کمک کرد که با او سر قرار رفتم. تحقیقات از دو متهم به دستور قاضی علی ایردموسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

گروگان گرفتن نانوا برای فرار از دست پلیس

سارقی که برای فرار از دست پلیس مرد نانوا و شاگردش را به گروگان گرفته بود، بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، چندی قبل دو رهگذر که در حال عبور از خیابان دربند بودند، خودشان را به مأموران گشت کلانتری ۱۲۲ دربند رساندند و گفتند همان حوالی سارقی را در حال سرقت از یک خودروی پژو ۲۰۶ سفید رنگ دیده‌اند.

یکی از آنها گفت: وقتی ما برای اعتراض به مرد سارق نزدیک شدیم، او از ما فاصله گرفت و از محل دور شد. با اطلاعاتی که دو شهروند در اختیار پلیس گذاشتند مأموران راهی محل و با شنیدن صدای مشاجره از داخل یک مغازه نانوایی که کرکره‌اش تا نیمه پایین بود به ماجرا مظنون شدند.

لحظاتی بعد که مأموران قدم به داخل مغازه نانوایی گذاشتند متوجه شدند همان سارق تحت تعقیب در حالی که چاقو به دست دارد مرد نانوا و شاگردش را به گروگان گرفته است. او وقتی مأموران پلیس را مقابل خود دید، تهدید کرد در صورتی که پلیس به او اجازه فرار بدهد گروگان‌هایش را رها خواهد کرد وگرنه به آنها آسیب خواهد رساند. در حالی که دو گروگان به شدت وحشت کرده بودند و از پلیس درخواست کمک می‌کردند، مأموران موفق شدند مرد چاقو به دست را خلع سلاح کنند. همزمان سارق که تلاش می‌کرد راهی برای فرار پیدا کند با ضربات مشت شیشه‌های مغازه را هدف قرار داد که خود و یکی از مأموران دچار جراحت شدند اما سرانجام مأموران پلیس موفق شدند متهم را بازداشت کنند. همزمان با دستگیری متهم، امدادگران اورژانس هم در محل حاضر شدند و سارق را به صورت سرپایی درمان و سپس به کلانتری منتقل کردند. مأموران در بازرسی از کوله‌پشتی متهم مقداری لوازم سرقتی از جمله دو گوشی تلفن همراه کشف کردند. وقتی مأموران پلیس برای شناسایی مالکان گوشی‌های سرقت شده با آخرین تماس‌های گرفته شده ارتباط برقرار کردند، متوجه شدند مالکان گوشی‌ها هنوز از سرقت آن خبر ندارند.

سرهنگ محمد کاووسی، سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: متهم در بازجویی‌ها به سرقت و گروگان گرفتن دو نانوا اعتراف کرد و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر وی در جریان است.

غرق شدن ۲ کودک در دریای عمان

خواهر و برادری هنگام بازی در ساحل دریای عمان در آب غرق شدند.

به گزارش «جوان»، مختار سلحشور، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان هرمزگان گفت: «ساعت ۲۰ روز یکشنبه ۱۲ مرداد ماه امدادگران هلال احمر شهرستان سیرک از غرق شدن خواهر و برادری ۸ و ۱۱ ساله در آب‌های دریای عمان باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد یک خانواده از شهرستان میناب به ساحل دریای عمان در روستای گهردو رفته بودند که دو فرزند ۸ و ۱۱ ساله‌شان وارد آب شده و غرق شدند.

در اولین بررسی‌ها مشخص شد نیروهای محلی جسد یکی از کودکان را از آب خارج کرده‌اند. بعد از آن بود که تلاش‌ها برای کشف دومین جسد ادامه پیدا کرد و پس از چند ساعت جسد دوم نیز کشف شد.

تحقیق از ۱۷ مظنون در قتل طلافروش معروف تهران

تلاش‌های پلیس جنایی پایتخت برای بازداشت عامل یا عاملان قتل یکی از معروف‌ترین طلافروشان تهران همچنان با بن‌بست مواجه شده است. در حال حاضر از ۱۵ مرد و دو زن در این باره تحقیق شده و بررسی‌های بیشتر در جریان است.

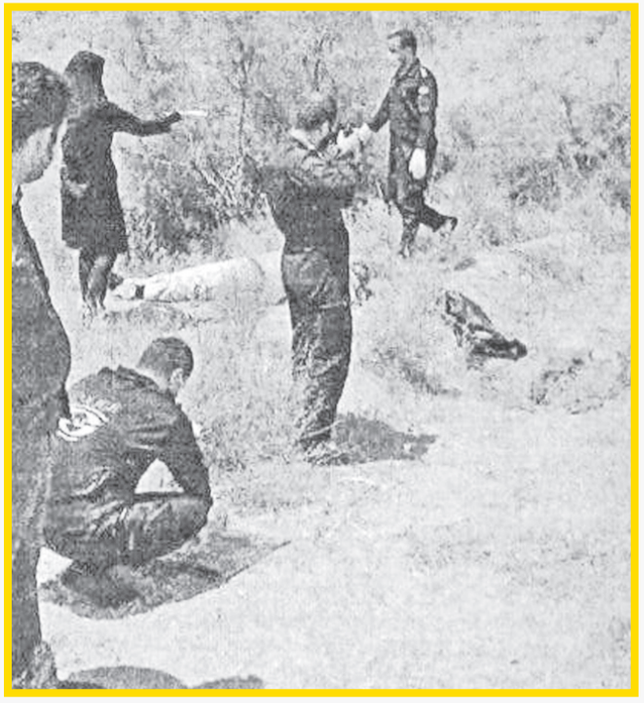

به گزارش «جوان» صبح روز چهارشنبه چهارم تیرماه امسال قاضی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری لواسان از کشف جسد مرد سالخورده‌ای حوالی جاده تلو در شرق تهران باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. بررسی‌ها نشان داد مردی ۷۸ ساله بر اثر ضربه به سر و خفگی به قتل رسیده است. بر اساس اوراق هویتی همراه جسد، مقتول عبدالعلی مظفریان از طلافروشان معروف تهران، عضو سابق اتاق بازرگانی، بازرس سابق صنف طلافروشان و دبیر کمیته اسنوبرد اسکی بوده است. بررسی‌های بیشتر نشان داد مقتول پس از فوت همسرش در تهران تنها زندگی و به عنوان واسطه در خرید و فروش طلا و جواهرات قدیمی فعالیت می‌کرده است.

تیم جنایی در بررسی‌های میدانی دریافت شب حادثه مقتول در حالی که کیف مخصوص معاملاتش همراهش بوده است، سوار خودروی دو مرد ناشناس می‌شود که بعد از آن به طرز مرموزی به قتل می‌رسد و کیف مخصوصش هم گم می‌شود.

در ادامه مأموران پلیس از پسر مقتول که برای برگزاری مراسم ترحیم پدرش از کانادا به ایران آمده بود، تحقیق کردند. وی گفت: من چند سالی است در کشور کانادا زندگی می‌کنم و پدرم نیز در تهران در کار خرید و فروش طلا فعالیت می‌کرد اما من خبر نداشتم که با چه کسانی ارتباط کاری یا دوستانه دارد تا اینکه چند روز قبل بستگانم با من تماس گرفتند و گفتند پدرم فوت کرده است و الان هم از عاملان حادثه شکایت دارم.

■ آخرین ملاقات

همزمان با ادامه تحقیقات، مأموران پلیس سراغ دوستان مقتول رفتند که برای آخرین بار با او تماس داشته‌اند یا او را ملاقات کرده بودند.

یکی از دوستان مقتول گفت: من و مقتول هر دو در کار خرید و فروش طلا و جواهرات بودیم. آقای مظفریان با توجه به سابقه و حرفه‌ای بودنش، اشیای عتیقه و طلا و جواهرات قدیمی را هم ارزش‌گذاری می‌کرد. آخرین بار و در واقع روز قبل از حادثه مقتول را در خیریه طلافروشان دیدم. ما حدود ۶۰ نفر از طلافروشان خیریه‌ای داریم که به افراد بی‌بضاعت کمک می‌کنیم و هر از گاهی هم در آنجا جلسه‌ای برگزار می‌کنیم و آن روز هم آقای مظفریان پس از خوردن ناهار حدود ساعت ۱۶:۱۵ تصمیم گرفت با تاکسی اینترنتی به محل قراری برود که پشیمان شد و پیاده رفت.

وی ادامه داد: چند هفته قبل از حادثه من و مقتول با دو زن که آنها هم در صنف طلافروشان فعالیت دارند، آشنا شدیم و آن دو زن ما را به یکی از دوستانشان معرفی کردند تا گردنبندی قدیمی را ارزش‌گذاری کنیم. آنها گردنبند را در اختیار ما قرار دادند و آقای مظفریان ارزش‌گذاری کرد اما صاحب گردنبند قبول نکرد و ما هم گردنبند را پس دادیم.

■ تحقیق از ۲ زن

سپس مأموران دو زن طلافروش را شناسایی و از آنها تحقیق کردند.

یکی از آنها گفت: من و همکارم هر دو در زمینه خرید و فروش طلا و جواهرات کار می‌کنیم تا اینکه دو هفته قبل از حادثه با مقتول و دوست طلافروشش آشنا شدیم. یکی از دوستان ما گردنبندی قیمتی و قدیمی داشت که از ما خواست فردی را برای ارزش‌گذاری آن معرفی کنیم که آقای مظفریان را معرفی کردیم و او و دوستش هم ارزش‌گذاری کردند اما دوست ما قیمت را قبول نکرد و در نهایت گردنبند را تحویل صاحبش دادیم. وی ادامه داد: ما به خاطر همین موضوع با او ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم تا اینکه چند روز قبل از حادثه از طریق واتساپ پیامکی به گوشی تلفن همراه من و دوستم فرستاده شد و فرستنده من و دوستم را تهدید کرد که ارتباطمان را با طلافروش معروف قطع کنیم. فرستنده پیامک مدعی بود که ما قصد سرقت اموال طلافروش را داریم. پس از این به او گفتیم که فرد ناشناسی ما را از طریق واتس‌آپ تهدید کرده که ارتباطمان را با شما قطع کنیم و مدعی است ما قصد سرقت اموال شما را داریم اما آقای مظفریان گفت که احتمالاً عامل پیامک‌ها همان فردی است که دو ماه قبل از خانه‌اش سرقت کرده است و گفت به تهدیدهای او توجهی نکنیم.

■ تحقیق از بدهکار مقتول

یکی دیگر از دوستان مقتول هم گفت: من از دوستان قدیمی مقتول هستم. یکی از طلافروشان به نام فرهاد به مقتول بدهکار بود که چند روز قبل با وی حوالی میرداماد قرار گذاشت تا درباره بدهی‌اش با او حرف بزند. آن روز من هم همراه مقتول سر قرار رفتم که فرهاد به محل قرار آمد و درباره بدهی‌اش حرف زد و قرار بود در مقابل بدهی‌اش قطعه یاقوتی به مظفریان بدهد و بعد هم از ما خداحافظی کرد.

پس از این، مأموران فرهاد را به اداره پلیس احضار و از وی بازجویی کردند. وی در ادعایی گفت: من ۴۰ سال است در کار خرید و فروش طلا و جواهرات فعالیت می‌کنم. در این مدت معاملات زیادی با مقتول انجام داده‌ام و آخرین بار هم به او بدهکار شدم. آن روز درباره بدهی‌ام با او حرف زدم اما حرفی از یاقوت نزدم.

بدین ترتیب مأموران پلیس از ۱۷ نفر که دو زن و ۱۵ مرد هستند درباره قتل طلافروش معروف تهران تحقیق کرده‌اند اما هیچ سرنخی از عامل یا عاملان قتل پیدا نکرده‌اند. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، قاضی واحدی به مأموران پلیس دستور داد تا دوباره از بدهکار مقتول به عنوان مظنون حادثه تحقیق کنند.

دستبرد طلایی پسر خطاکار به گاوصندوق پدر

پسری که متهم است با دستبرد به گاوصندوق خانه پدری ۲۵۰ میلیون تومان طلا سرقت کرده به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش «جوان» ۲۹ اردیبهشت‌ماه مردی میانسال وارد کلانتری ۱۱۰ شهدا شد و ماجرای یک سرقت را گزارش داد. او گفت که سارق یا سارقان با دستبرد به گاوصندوق خانه‌اش ۲۵۰ میلیون تومان طلایی را که داشته سرقت کرده‌اند.

بعد از مطرح شدن شکایت و زمانی که پرونده برای بررسی بیشتر به پایگاه ششم پلیس آگاهی فرستاده شد، شاکی جزئیات بیشتری از ماجرا را شرح داد. او گفت: من گاوصندوقم را در انباری خانه‌ام نگه می‌دارم. داخل گاوصندوق هم مقداری طلا به ارزش ۲۵۰ میلیون تومان و اسناد و مدارک داشتم. وی ادامه داد: دو ماه قبل همسرم فوت شد و در این مدت به گاوصندوقم سر نزده بودم. امروز برای برداشتن یکی از مدارک سراغ گاوصندوق رفتم. وقتی در آن را باز کردم، دیدم که همه طلاها سرقت شده است. با اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان راهی محل شدند و بعد از بررسی اطمینان پیدا کردند سارق با در دست داشتن کلید موفق به سرقت شده است، بنابراین تحقیقات برای شناسایی و بازداشت سارقی آشنا به جریان افتاد. شاکی وقتی در این باره مورد تحقیق بیشتر قرار گرفت، گفت که فقط دو پسرش از محل نگهداری گاوصندوق خبر داشتند. بعد از به دست آمدن این سرنخ بود که مأموران پلیس از پسران شاکی که احمد و محمود نام داشتند، تحقیق کردند. آنها گفتند که از ماجرای سرقت خبر ندارند و نقشی هم در سرقت نداشته‌اند. مأموران پلیس اما در جریان تحقیقات متوجه تناقض‌گویی‌های احمد شدند. همچنین مشخص شد وی به تازگی خودروی پراید خریده است. او در بازجویی‌های فنی اما به سرقت اعتراف کرد و گفت: من از محل نگهداری کلیدها باخبر بودم و تصمیم گرفتم که طلاهای پدرم را سرقت کنم. در فرصتی مناسب بود که کلیدها را برداشتم و راهی انباری شدم و طلاها را سرقت کردم. طلاهای سرقت‌شده را هم به دو طلافروشی حوالی میدان خراسان فروختم و با بخشی از پول آن برای خودم یک خودروی پراید خریدم. با اطلاعاتی که احمد در اختیار پلیس گذاشت مردان طلافروش هم مورد تحقیق قرار گرفتند و اعتراف کردند طلاهای بدون فاکتور را خریده‌اند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که شاکی از پسرش و دو متهم دیگر اعلام رضایت کرد که آزاد شدند.

قاتل برادر معتاد در آستانه آزادی

مرد جوانی که در دفاع از پدر و همسرش، برادر معتادش را به قتل رسانده است پس از جلب رضایت اولیای دم محاکمه و به دو سال حبس محکوم شد که با احتساب روزهای بازداشت به زودی آزاد خواهد شد.

به گزارش «جوان»، دو سال قبل مرد سالخورده‌ای با مأموران پلیس تهران تماس گرفت و مدعی شد پسر بزرگش خودکشی کرده است. مأموران با حضور در منزل مرد سالخورده با جسد سیاوش ۴۰ ساله روبه‌رو شدند که بر اثر اصابت ضربه چاقو فوت کرده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پدر سیاوش که در محل حضور داشت در توضیح ماجرا گفت: «سیاوش معتاد بود و بعد از جدایی همسرش با ما زندگی می‌کرد. او درآمدی نداشت. من هم کارگر روزمزد بودم و درآمد زیادی نداشتم اما سیاوش هر بار به زور پول موادش را از من می‌گرفت و همین باعث اختلاف ما بود. سیاوش امروز به خانه‌مان آمده بود تا دوباره پول بگیرد اما کار به درگیری کشید. در آن درگیری دست به چاقو شد که برادرش سپهر از راه رسید. سپهر سعی کرد چاقو را از دست برادرش بگیرد اما سیاوش چاقو را داخل شکمش فرو برد و روی زمین افتاد. همان موقع با اورژانس تماس گرفتیم اما بی‌فایده بود.»

با این توضیحات، کارشناسان پزشکی قانونی بعد از معاینه جسد فرضیه خودکشی را رد و اعلام کردند چاقو توسط شخص دیگری وارد بدن شده است.

با توجه به این نظریه و توضیحات مرد سالخورده، سپهر به عنوان اولین مظنون به قتل بازداشت شد. او ابتدا جرمش را انکار، اما در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «روز حادثه همسرم تماس گرفت و گفت سیاوش با پدرم درگیر شده است. به خانه رفتم و دیدم سیاوش با چاقو همسر و پدرم را تهدید می‌کند. برای اینکه او را بترسانم چاقوی دیگری برداشتم اما یکباره روی سیاوش افتادم و ناخواسته چاقو وارد شکمش شد.»

با اقرارهای متهم، سپهر به اتهام قتل و پدر و مادر او به اتهام شرکت در درگیری منجر به قتل و اخفای ادله جرم بازداشت شدند.

پرونده در حال کامل شدن بود که پدر و مادر مقتول اعلام گذشت کردند. به این ترتیب متهم از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران مقابل هیئت قضایی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی زالی، مرد جوان در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «صبح‌ها در خیابان روزنامه می‌فروختم و شب‌ها هم کارگر یک رستوران بودم. سیاوش برادر بزرگ‌ترم بود که به خاطر اعتیاد از همسرش جدا شده بود. بعد از جدایی آنها نگهداری از فرزندش بر عهده من و پدرم بود.»

متهم ادامه داد: «به خاطر پول مواد با سیاوش اختلاف داشتیم. روز حادثه مشغول کار بودم که همسرم تماس گرفت و گفت سیاوش با پدرم درگیر شده است. بلافاصله به خانه رفتم و دیدم او همسر باردارم را گروگان گرفته و تهدید به مرگ کرده است. قصد داشتم آرامش کنم که ناگهان به روی پدرم چاقو کشید. خواستم چاقو را از دستش بگیرم که این بار به روی من چاقو کشید. برای اینکه او را بترسانم من هم دست به چاقو شدم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «آن روز خاله‌ام مهمان ما بود. وقتی درگیری بالا گرفت او همراه مادرم جلو آمدند تا ما را آرام کنند. در حالی که هر کدام ما را به سمتی می‌کشیدند ناگهان روی برادرم افتادم و چاقو ناخواسته وارد شکم سیاوش شد.»

متهم در آخر گفت: «به برادرم علاقه داشتم و زندگی‌اش برایم مهم بود، حتی بعد از جدایی از همسرش مخارج فرزندش را پرداخت می‌کردم تا اینکه همسر سابقش بعد از این حادثه او را با خودش برد. خودم نیز وقتی در زندان بودم فرزندم به دنیا آمد و همسرم بعد از آن زایمان نوزادش را رها کرد و به خانه پدرش رفت. در این مدت خواهرم از فرزندم نگهداری می‌کند. تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوید تا زودتر فرزندم را در آغوش بگیرم و خودم او را بزرگ کنم.»

در ادامه پدر و مادر متهم نیز از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی، پدر و مادر متهم را تبرئه و سپهر را به دو سال حبس محکوم کردند. به این ترتیب با احتساب روزهای بازداشت، متهم به زودی آزاد خواهد شد.

اداره کل ثبت اسنادواملاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسنادواملاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقدسند رسمی

برابررای شماره۱۳۹۹۶۰۳۰۲۲۰۰۰۲۵۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقردرحوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مرتضی عسگری رفسنجانی فرزند هدایت اله به شماره شناسنامه ۴۴۵ صادره از مشهد در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۶۰۰۰۰ متر مربع پلاک ۴ فرعی از ۶ اصلی واقع در۱۲مشهد، خریداری از مالک رسمی آقای هدایت‌اله عسگری محرزگردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روزآگهی می‌شود، درصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی، به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد.

محمدرضا رجایی مقدم– رئیس اداره ثبت اسنادواملاک
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۳۹۹/۵/۱۴– تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۳۹۹/۵/۲۹

اداره کل ثبت اسنادواملاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسنادواملاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمان های فاقدسند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۲۲۰۰۰۲۵۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرحوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مرتضی عسگری رفسنجانی فرزند هدایت اله به شماره شناسنامه ۴۴۵ صادره از مشهد در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۶۰۰۰۰ متر مربع پلاک ۴ فرعی از ۶ اصلی واقع در۱۲مشهد، خریداری از مالک رسمی آقای هدایت‌اله عسگری محرزگردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روزآگهی می‌شود، درصورتیکه اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی، بمدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

محمدرضا رجایی مقدم– رئیس ثبت اسنادواملاک
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۳۹۹/۵/۱۴– تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۳۹۹/۵/۲۹

آگهی مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی، کارت سوخت و کارت خودرو سواری پرشیا مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ایران ۱۱ - ۷۶۶ د ۲۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۶۳۰۲۲ و شماره شاسی ۸۳۸۰۷۷۵۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پراید به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور ۲۳۱۱۴۲۷ به شماره شاسی S1412287704211 به شماره انتظامی ایران ۳۵ - ۱۵ د ۵۹۷ متعلق به آقای حسن فرخی گوروان مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری تیبا مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی و شماره شهربانی ایران ۹۶ - ۶۹۲ ب ۶۳ به شماره موتور ۸۱۳۵ و شماره شاسی NAS811100E5784543 متعلق به آقای محمد حسن تقریبان مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. دامغان